

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: رضا نافع

۰۹ سپتمبر ۲۰۲۰

اجرای سناریوی تکراری برای یخبندان مناسبات المان و روسیه



آنچه مقدم بر هر سخن تصریح باید کرد این است: اگر بر سر آکسئی نوالنی آن آمده باشد که دولت المان ادعا می کند، قابل اغماض نیست. با مخالف سیاسی با استدلال مقابله می کنند و احیاناً با توسل به قانون و دادگاه، چنین مواردی در المان فدرال هم پیش می آید. اما نمی توان به سم متوسل شد. «ولی»، این یک «ولی» خیلی بزرگ دارد: ولی قضیه اصلاً با آن قاطعیتی که صدراعظم اعلام کرد و آن را قطعی دانست، قطعی نیست.

نخست آن که: آزمایشگاه مرکزی ارتش المان «بوندس وهر» یک سازمان مستقل پژوهشی نیست، بلکه سازمانی است تابع، تابع فرمان های سیاسی.. بنا بر این در ارزیابی دآوری های آن باید مراتب متنوع احتیاط را به کار بست.

دوم: این سازمان BND (BND سازمان اطلاعاتی المان برای گردآوری اطلاعات از کشورهای دیگر است.) بود که در سالهای ۹۰ نمونه گاز کیمیائی فلج کننده اعصاب موسوم به «نویچک» را از یک پژوهشگر تسلیحاتی اتحاد شوروی خرید و بعداً آن را بین سازمانهای همکار با خود تقسیم کرد. بنابراین اگر نویچوک بوده است، لازم نبوده که کار سرویس مخفی داخلی روسیه FSB باشد که این ماده را به ناوانی تزریق کرده باشد. آن گاز سمی را گانگستر های بلغارستان نیز در تسویه حسابهای خود به کار بسته بودند. امروز گاز نویچک در بازار خرید و فروش می شود.

سوم: اگر مرجعی که دستور مسموم سازی ناوانی را صادر کرده، رهبری سیاسی روسیه بوده، چرا باید به بیمار اجازه پرواز به المان را داده باشد؟ تنها همین استدلال کافیت که نشان دهد کرملین نمی تواند با مسموم سازی ارتباطی داشته باشد. اگر آنطور که پیروان ناوانی بلافاصله پس از حادثه شایع کردند که، بیمارستان در Omsk، که برای مراقبت های اورژانسی مورد استفاده قرار گرفته بوده، مملو از عوامل اطلاعاتی بوده – چرا این عوامل اطلاعاتی – با این فرض که می خواستند ناوانی را بکشند- در قلمرو خود که صاحب اختیار هستند هیچ وسیله و هیچ راهی برای پایان دادن به زندگی این منتقد کرملین نیافتند؟

چهارم: اگر کسی شیوه تبلیغاتی به کاررفته در جهان ترانس اتلانتیکی را دنبال کند ملاحظه می کند که مسمومیت ناوانی طبق الگوی مسمومیت سرگنی اسکریپال صورت می گیرد. با کمال احترام می توان پرسید: آیا واقعاً باید اعتقاد داشت که هیچ بحثی درباره خطای پیشین در مسکو وجود نداشته است تا شیوه شکست خورده اسکریپال برای بار دوم تکرار نشود؟ آنچه واضح است اینست: «قضیه ناوانی» یک صحنه سازی است. برلین عمداً رسوائی را به خانه خود آورده است. ولی چرا؟ آیا این واکنشی است در برابر آنچه بر سر اسلام گرای چچنی آمد؟ که در برلین به ضرب گلوله کشته شد؟

ایا مرکل می خواهد با توسل به تشدید و اسکالاسیون به انصراف خود از حمایت از نورد استریم ۲ ظاهری مثبت ببخشد؟ یا این که درست به عکس می خواهد به حمایت از خط لوله ادامه دهد و به امریکا نشان دهد که استدلال آنها مبنی بر این که المان خود را به روسیه وابسته می سازد، درست نیست؟ نتیجه هیچ یک از این دو فرض نتیجه خوبی نیست. در هر حال آنچه عقربه جهت یاب نشان می دهد حرکت به سوی دوران یخبندان است.

یونگه ولت
آینده ما